

لە د ۹ ا ك

نێزارش سیاسی كێشه

مركزى به ئه قهره چه مارك

خزب كهر و نيسهت و بنظام

انتخابات ما ۱۷

www.KetabFarsi.com

۴

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

گزارش سیاسی کمیته مرکزی به

کنگره چهارم حزب کمونیست ویتنام

له دوان

انتشارات سهاگل سنفل بود و بهیچ حزب سازمان یا گروه سیاسی خاصی وابستگی ندارد .

نظرات تصحیحات و ککهای خود را به نشانی زیر

ارسال دارید :

1 BERLIN , POSTFACH 310324

W. GERMANY

شکشمیرکتسبانتشارات سهاگل آزاد است .

فهرست

۲	گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کدگره چهارم حزب کمونیست (کارگران) ویتنام
۹	۱- پیروزی بزرگ و نقطه عطف تاریخی انقلاب ویتنام
۳۰	۲- خط مشی انقلاب سوسیالیستی در مرحله جدید
۳	۳- سمندگیری و تکالیف برنامه پنجساله ۱۹۸۰-۱۹۷۶ توسعه و دگرگونی اقتصادی
۴۶	فرهنگی و علمی و فنی
۴۸	الف) رهنمود برای توسعه شاخه‌های مختلف اقتصاد ملی
۴۸	۱- کشاورزی و جنگلبانی و شیلات
۵۲	۲- صنایع سبک
۵۳	۳- صنایع سنگین
۵۵	۴- ساختمان
۵۶	۵- ارتباطات و حمل و نقل و خدمات پستی
۵۷	۶- گردش و توزیع کالاها، صادرات و واردات
۶۳	۷- کار و دستمزد
۶۵	۸- بهبود زندگی مردم
۶۷	ب) توسعه علم و تکنولوژی
ج	ج) دگرگونی مناسبات قدیمی تولید و تثبیت و تکامل مناسبات سوسیالیستی
۷۰	تولید
۷۴	۴- ترویج انقلاب ایدئولوژیکی و فرهنگی بمنظور ساختن و تکامل فرهنگی نوین
۵	۵- تثبیت دولت سوسیالیستی و افزایش نقش سازمانها و توده‌ای و انجام کار
۸۶	توده‌ای
۱۰۷	۶- اوضاع جهانی و وظایف بین‌المللی و سیاست خارجی حزب ما
۱۱۵	۷- بسط نقش رهبری و قابلیت مبارزاتی حزب

گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهارم

حزب کمونیست (کارگران) ویتنام *

رفقای نماينده و همکاران محترم، شانزده سال از تشکیل سومین کنگره ما می‌گذرد. در طول این مدت میهن ما به بوته آزما بهات-هم‌کینی گذاشته شد. خلق ما هنوز از جنگ عظیم مقاومت در برابر استعمارگران فرانسوی فارغ نشده بود که خود را وادار به ورود به نبردی دیگر دید؛ نبردی که اینبار امپریالیسم ایالات متحده، سرکرده امپریالیسم زاندارم-بین-المللی و سفاک‌ترین دشمن بهریت، با عداوت تجا و زکارانه بی‌مانندی بر خلق ما تحمیل نمود. در این میان امپریالیستهای ایالات متحده سودای آنها داشتند که طرف مدت کوتاهی خلق ما را بزانو درآورند، لیکن خلق و ارتش ما سرسراز جهان حماسه آفرین‌ترین جنگها را نموده و به پیروزی بسیار درخشان تا بهل آمده.

★ [هانوی، خبرگزاری ویتنام، به زبان انگلیسی، ساعت ۱۹ و دقیقه بوقت گرینویچ ۱۶ دسامبر ۱۹۷۶. متن این گزارش که خبرگزاری ویتنام در ۱۶ دسامبر به زبان انگلیسی بطور ناقص پخش کرد، بود با متن گزارش سیاسی قراشت‌عده له‌دوان که بطور زنده بزبان ویتنامی در ساعت ۱ و ۲۰ دقیقه بوقت گرینویچ، روز ۱۴ دسامبر (روز گشایش کنگره چهارم که بین ۱۴ تا ۲۰ دسامبر ۱۹۷۶ در هانوی برگزار شد) بوسیله اداره خدمات داخلی هانوی پخش گردید و همچنین با پخش مجدد گزارش مزبور توسط خبرگزاری ویتنام در ساعت ۱ و ۴۰ دقیقه بوقت گرینویچ، ملا بقت گردید و نقایص آن برطرف شد.]

[ترجمه فارسی از منبع فوق با ملاحظت با کتاب "اسناد کنگره ملی چهارم حزب کمونیست ویتنام"، انتشارات زبانهای خارجی، هانوی، ۱۹۷۲، صورت گرفت، انتشارات سیاه‌کلی]

پهروزی خلق ما در عهد نثرین صفحات تاریخ ملت ما را تشکیل میدهد و بعنوان
 حبل بر تلاً لو پهروزی حماسه آفرین انقلابی و ذکاوت انسانی و برای همیشه ثبت گفته
 و از آن در تاریخ جهان بعنوان عبره کهنه ترین پهروزی قرن بیستم یاد خواهد شد.
 این پهروزی دارای اهمیت فراوان بین المللی بوده و تأثیرات عمیقی بر عمر ما خواهد
 گذارد.

این پهروزی عظیم ما کی از نقطه عطفی بزرگ در تاریخ خلق ما میباشد و بدین
 گونه که اولاً اعلام پایان در عهدان جنگی ساله نجاتی ملی است که با انقلابات
 آغاز گردیده. ثانیاً طومار نسل یکم ساله امپریالیسم را بر وطن ما برای همیشه فرو
 می بندد. ثالثاً انقلاب دموکراتیک توده ای ملی را در سرتاسر مملکت تکامل می دهد و
 ورابعاً نتایج انقلاب سوسیالیستی را در عمال کشور تضمین و تحول می بخشد و
 خامساً کلیه موانع را از سر راه اتحاد مجدد ملی [شمال و جنوب] برداشته و آنرا بسوی
 سوسیالیسم سوق میدهد.

از نظر جهانی و خلق ما پهروز مندانه و بزرگترین هجوم سر کرده امپریالیسم بر
 نیروهای انقلابی بعد از جنگ دوم جهانی را با هکست مواجه ساخته و بساط میدانهای
 جنگ امپریالیسم را درهم نوردید و جبهه جنگ سوسیالیسم را وسعت بخشیده یک حلقه
 دفاعی مهم امپریالیستهای ایالات متحده را در جنوب غربی آسیا پاره نمود و تعادل
 استراتژی جهانی ضد انقلابی آنان را بر هم زده ایالات متحده را بوضع هر لحاظی
 انداخته و سیستم امپریالیستی را تضعیف نمود و قدرت و حالت تهاجمی جریانسات
 انقلابی زمان ما را افزایش داده و بالآخر اعتقاد و عوی فراوان در قلب مدعا میلیون
 انسان و در روی کره زمین بوجود آورد و انسانهایی که برای استقرار صلح و استقلال
 ملی و دموکراسی و سوسیالیسم مبارزه می کنند.

با احراز این پهروزی سترگ در جنگ مهین پرستانه بر علیه تجاوز ایالات متحده و
 وظیفه تاریخی رهایی ملی و اتحاد مجدد [شمال و جنوب] را که توسط سومین کنگره حزب
 تکلیف شده بود و بنحور ضابطی با انجام رسید و دین ملتی نسبت به عام
 مهین و وظایف انترناسیونالیستی اهرانا گردیده.

امروز ما وقتی نگاهی به راه طولانی و پرافتخار مبارزه انقلابی ای که خلق ما
 تحت رهبری حزبمان پیموده است می افکنیم و سرشار از غرور بهمدی میگردیم. خلق ما از

حالت مردمی که استقلالشان بتاراج رفته بود، قهرمانانه برها عاست و تجاوزات امپریالیستهای فترتمندِ بسپاری را یکی پس از دیگری با عکت مواجه کرده، یوغ فاسد و زاین را درهم عکت و استعمار کهنه فرانس را منکوب نمود، و استعمار نو ایالات متحده را عکت داد تا بتواند سر برآه استقلال و آزادی و سوسیالیسم بیگنارد. با توجه به این موفقیت‌های چشم گیر است که خلق ما بحق یکی از پهلوان مبارزه خلقی است که برای تحقق آرمانهای عرافتمندان یفر مبارزه می کنند. خلق ما فعلاً در تکامل پیشین به انقلاب جهانی حرکت کرده است. حزب ما که به حق سازماندهنده کلیه پهلوانی است که نصیب انقلاب و بتنام شده، اکنون به حزب مارکسیستلنینیست بسپار نهرومندی که از لحاظ سیاسی منجم و از لحاظ ایدئولوژی و تفکلات، عسلل نا پذیر میباشد، بدل گردیده است. این حزب جزء مهمی از کل جنبی کارگری و کمونیستی بین المللی را تشکیل میدهد.

پهلوانی جنگ مبین پرستانه ما بحد تجاوز ایالات متحده، حامل مجموع عواطفی است که قدرت خلق نا پذیر انقلاب و بتنام را تشکیل میدهد. منشاء این عواطف منحصراً عبارتست از: رهبری صحیح حزب ما، این پهلوانی کارآزموده طبقه کارگر و بتنام و طرفدار معتقد و تمام کمال منافع حیاتی و آرمانهای برجسته و بحق خلق و بتنام و تمامی ملت و بتنام. حزب ما علم انقلابی طبقه کارگر - مارکسیسم-لنینیسم - را با نهروی قوی العاده مبارزاتی و به همراه قدرت علقه بی حد و حصر خلق و عماره ۱۰۰۰ سال - سنت ملت و بتنام، با کمال موفقیت درهم مباحه کرده.

پهلوانی جنگ مفاومت مبین پرستانه ما بحد تجاوز ایالات متحده، پهلوانی در نبردی عواره منام و دلیرانه و عمارانه است و سرشار از عاقتب و فنا کاریهای خلق و ارتسی ما در سر تا سر کشور میباشد. بویژه ما زمانهای حزبی و کارها و مجاهدینی که در جنوب فعالیت داشتند و می جنگیدند. این پهلوانی و همچون درگرو فنا کاریهای آنها میلیون هموطن مبین پرست ما است که در خط اول جبهه برای حراست ما مبین به نبرد با دشمن پهلوانی و سرافق مبارزه سر مستانه و خلق نا پذیر را که بهی از ۳۰ سال در زیر یوغ تجاوز کاران اقامه عاست برای آیندگان بجای گذاشته.

موفقیت در این جنگ، معلول پهلوانی رژیم سوسیالیستی در عسال کشور است که در تاریخ کشور ما هنوز چند صباحی از قاسم آن نگذشته بود. رژیم می که در جهت

احقاق حقوق دسته جمعی زحمت کشان و استقرار مناسبات اجتماعی نوین قدم برداشته است. این رژیم علاوه بر ساختمان نوین اجتماعی در شمال و مبارزه با جنگ دفاعی توانست آنچه ان نیروی انسانی و امکاناتی تدارک ببیند که قادر به جنگ میهن پرستانه باشد تجاوز ایالات متحده در جنوب باشد.

کنگره ما در این روز فرخنده بزرگ، دروهای گرم خود را نثار احساسات میهن - پرستانه پرشور و قهرمانیهای انقلابی بی حد و حصر هموطنانمان، جنگجویان، کادرهای حزبی و افراد کلبه خلیقهای برابر در شمال و جنوب کشور که دست به دست یکدیگر بطرز عمتگی نا پذیری برای رهائی کشور و اتحاد مجدد مام میهن مبارزه نمودند، میکند.

کنگره ما قهرمانیهای کادرها و جنگجویان نیروهای مسلح خلق را - که جسورانه نهادهای پس از نه دیگر، نخست با جماعی و تندک سرپر و سپس منسکل در هنگهای پرهیبت به جنگ پرداخته و دشمنان دزخیم صفت خود را شکست دادند و با عملیات افتخارآمیزه از شبرد دین بپن فو گرفته تا کارزار هوئی مین، که سنن پرافتخار ارتش ما را ارتقا بخشید و همراه یک یک افراد این سرزمین حماسه پرشوری از جنگ انقلابی ویتنام را [بسر صفحات تاریخ] ثبت نمود - ستایش میکند.

کنگره ما بیاد شهنا ی راه استقلال و آزادی میهن، سوسیالیسم و کمونیسم که در راه انای وظیفه مقدس نسبت به وطن و تعهدات والای انترناسیونالیستی، بی باکانه جان خود را فدا نمودند سر تعظیم فرود میآورد. خلق ما از داشتن چنین فرزندان پاک باخته و صادقی که خون خود را در راهی نرفتی پرافتخار مام میهن نثار نمودند بطور میبالد.

بمروزی عظیم ما در جنگیمقاومت میهن پرستانه ضد تجاوز ایالات متحده و همچنین صفحات درخشان تاریخ نیم قرن انقلاب ویتنام با نام رئیس جمهور کبیر ما هوئی مین، یسا به گذار و آموزگار حزب ما، پسر جمهوری دموکراتیک ویتنام، بانسی جبهه با عظمت وحدت ملی، سازماندهنده نیروهای مسلح انقلابی، رهبر خردمند طبقه کارگر و خلق ما، قهرمان کبیر ملی و مبارز ممتاز جنبش کمونیستی بهن المللی عظیم شده است. در این لحظه پرافتخار با دعوای کرامی و محبوب ما چه موج احساسات عظیمی در دلها بمان برانگیخته است، افسوس که عموهوا کنونی در میان ما نیست تا با ما در این کنگره تاریخی حرکت نماید. لیکن تک تک افراد حزب و خلق و ارتش ما مفتخرند که تعالیهم مقدس عموی خود را بکار بسته اند. آرمانهای عمیق ما امروز با عمل بخود

پوشیده است. امپریالیستهای ایالات متحده از سرزمین ما برای همیشه بیرون رانده شده اند. ما مین ما کاملاً مستقل و متحد بسوی سوسیالیسم پیش می رود. مبارزین جنوبی و شمالی ما مجدداً در زیر یک سقف اتحاد نموده اند. با الهام از عمیق ترین احساسات هممیهنان خود و جنگجویان سراسر کشور، گذرگه ما با نهایت احترام بهروزی های مشترک خود را بر امپریالیستهای ایالات متحده بحضور هوئی مین رئیس جمهور کبیر خود تقدیم نموده، مراتب قدردانی بیحد خود را نسبت به عموی خویش ابراز میدارده. عمویی که زندگی خود را وقف رهائی خلق ما و اتحاد مجدد مین ما با آرمان حزب و ملت ما کرد و از این طریق افتخار بزرگی نصیب سرزمین ما نمود و دهمه ای جاودانی برای ما و نسلهای آینده از خود باقی گذاشت. اکنون پیشنها میکنیم گذرگه فیما نموده مراتب سپاس و احترام خود را نسبت به عموم و تمام کسانی که جان خود را فدای ما مین نمودند بجای آورد.

بهروزیها بهروزی همبستگی خلق ناپذیر مبارزات تو سه خلق ویشنام و لائوس و کامبوج نیز میباشد و همبستگی ای که از قدیم الایام بین کشور وجود داشته و در بوته آزما پس جنگ برضد دشمن مشترک سه ملت آخته عده است. گذرگه ما از طرف تانگ اعضا حزب و قاطبه خلق ویشنام بهروزیهای تاریخی عظیم خلقهای برادر لائوس و کامبوج را که بمنزله بهروزی همه ما تلقی میشود صمیمانه عادیات میگوید و مراتب سپاس بیحد و همبستگی خلق ناپذیر خود را با رفقای همسنگر سلحشور مسلح ابراز میدارده.

بهروزی ما دقیقاً بهروزیهای سوسیالیسم و استقلال ملی و دموکراسی و صلح در سراسر جهان است و نیروهایی که همواره از مبارزات خلق ما برضد تجاوزگران امپریالیست ایالات متحده پشتیبانی نموده است. گذرگه ما عمیق ترین سپاسهای خود را نسبت به اتحاد شوروی چین و سایر کشورهای سوسیالیستی برادر - که کمک و مساعدت همه جانبه عظیم و ارزنده ملهم از انترناسیونالیسم پرولتاری شان که همواره عامل حال خلق ما بوده و هنوز هم برای التیام زخمهای جنگ و احیای کشور ما باری میرسانند - ابراز میدارده. ما بنوبه خود از احزاب کمونیست و طبقه کارگر تمام کشورهای مجتبیها رهائی بخش ملی و کشورهای ناسیونالیست، کشورهای صلح دوست ما زمانهای دموکراتیک بین المللی و کلیه انسانهای مترقی، بغاظر همردی مستمر و پشتیبانی و تشویقی که از جنگ مقابله مین خلق ما برضد تجاوز ایالات متحده در راه نجات ملی بعمل آوردند و در

مرحله جدید نیز هیچگونه باری و مساعدت مادقانه ای را از ما دریغ نمیکنند قدردانی
میخائیم •

رفقاء چهارمین کنگره ما دارای عظیمترین اهمیت تاریخی است •

این کنگره هکنگره پیروزی کامل آرمان ما یعنی رهائی ملی است •

این کنگره هکنگره اتحاد مجدد مپنهان است •

این کنگره هکنگره حرکت سرتاسر کشور ما بسوی سوسیالیسم میباغد •

حزب پرافتخار ما که سرعت به بلوغ سیاسی و قدرت خلاق صلح شده است با عسوک و

انرژی انقلابی فراوانی با این کنگره آمده است و بیستتر از هر زمان دیگر متحد و متفق

و متحد به طبله و ملت خویشی ما رتق بین المللی کمونیستها و مبارزین است که برای احرا

استقلال آزادی و بهرفت اجتماعی سراسر جهان میجنگند • حزب ما به قدرت عود و به

فرستی راهی که این کنگره برای انقلاب و بهتنام در مرحله فعلی تعیین کرده است اعتقاد

فراوان دارد •

پیروزی بزرگ، نقطه عطف تاریخی انقلاب ویتنام

رفقا، حد فاصل بین ژوئیه ۱۹۵۶ تا مه ۱۹۷۵ دوره‌ای بسیار پرحادثه و هیجان‌انگیز در مبارزات انقلابی ویتنام بود. در پرتو راهی که گذر کرده سوم تعیین نمود خلق ما در سرتاسر مملکت برای تحقق دو هدف استراتژیکی، قهرمانانه و خستگی‌ناپذیر مبارزه نمود: رهایی جنوب و ساختن اتحاد جماهیر شمالی در جهت ناسی ویتنام. می‌سلح جو متحد، مستقل و دموکراتیک، آباد و نیرومند. اکنون کمیته مرکزی گزارشی عمومی خود را در باره مبارزات انقلابی خلق ما و فعالیت‌های حزب و دولت ما در راه نیک به این اهداف بسمع میرساند.

همانطور که میدانیم، ایالات متحده آمریکا بعد از جنگ دوم جهانی، با استفاده از موقعیت مساعد ویژه خود تبدیل به ثروت‌مندترین و قدرتمندترین امپریالیزم گردید و نقش ژاندارم بین‌المللی را بعهده گرفت تا بدنه سیستم امپریالیستی را که بطرز فاحشی تضعیف شده و در مواجهه با ظهور رعد سریع سیستم جهانی سوسیالیستی در زیر ضربات کوبنده جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و واج‌گه‌ری مبارزات جنبش‌های کارگری در کشورها، سرمایه‌ناری، با بحران عمومی جدیدی روبرو شده بود حراست نموده و آنرا از مغصه نجات دهد. زیر ضربات تهاجمی این سه جریان انقلابی، امپریالیسم ایالات متحده

مواضع خود را یکی پس از دیگری از دست داد و تعادل نیروهای جهانی بضر اردوگساه امپریالیستی بهم خورد. امپریالیسم ایالات متحده ناامید از استراتژی «انتقامجویی جمعی» با تکیه بر سلاحهای هسته ای خود از همان اوایل سالهای ۶۰ وادار به اتخاذ استراتژی «عکس العمل قابل انعطاف» شد که لبه تیز حمله اش متوجه نیروهای سوسیالیسم ورهائشی بخش ملی در چند ناحیه مشخص منجمله ویتنام میشد که از نقطه نظر استراتژی ایالات متحده، حادثترین نقطه آن بشمار میرفت.

امپریالیسم ایالات متحده از دهر باز سودای بلعیدن کشور ما را در سربلایت زمانی که فرانسه در گل جنگ هندوچین گیر کرد تا ایالات متحده با زطرفی برای کمک به فرانسه دست بکار شد و از طرف دیگر بعضی خود برای آنکه جانسپین فرانسه غده و هندوچین را با انحصار خود برآورد نقشه ها کشید. بعد از شکست استعمارگران فرانسوی در دین بین فو با میریسا- لهستهای ایالات متحده سرعت خود را به ویتنام جنوبی رسانده فرانسویان را بهسرون انداخته دست بکار تبدیل کشور ما به میدان آزماهی انواع گوناگون استراتژی ها و تاکتیکهای خود شدند. با این امید که بعد از درهم کوفتن انقلاب ویتنام از این تجربه-ها بربزد جنبشهای انقلابی سایر نقاط جهان بهره ببرند. حقا که انقلاب ویتنام به رهبری حزب کمونیست- از زمانیکه بعنوان یک مستعمره برای کسب استقلال قد علم نمود و دلبران امپریالیسم بزرگی چون فرانسه را به زانو برآورد و در نیمی از مملکت سیستم سوسیالیستی برقرار نمود، در حالیکه قاطبانه برای استقلال ملی سراسر کشور به مبارزه ادامه میداد - سمبل یکپارچگی جریانات انقلابی زمان ما و مسیر اجتناب ناپذیر توسعه جنبشهای رهائشی بخش ملی است که بسوی سوسیالیسم بحرکت درآمده است.

نقشه اصلی امپریالیسم ایالات متحده تا بودی جنبش مهین پرستانه خلق ماه انضمام جنوب به خود تجزیه کشور ما برای مدتی طولانی تبدیل جنوب به مستعمره ای از نوع جدید و با بگاها نظامی ایالات متحده، برقراری یک خط دفاعی و جلوگیری از گسترش سوسیالیسم به جنوب خاوری آسیا بود و در عین حال امپریالیسم ایالات متحده در صدد برآمد با استفاده از جنوب بعنوان پایگاه تمرین به عمال که پاسدار سیستم سوسیالیستی جهان در جنوب شرقی آسیا است سوسیالیسم را در این منطقه جهان سرکوب نموده و عقب بنشانند و [در نهایت امر] کشورهای سوسیالیستی دیگر را معاشره و تهدید نماید. پنج رژیم سوسیالیستی جمهوری آمریکا یکی پس از دیگری با توسل به جنگ و با اتخاذ شیوه های نو - استعماری

توأم با ماجراجوئی های نظامی بی حد و حصر، سرخستانه در دنبال نمودن این نقشه از هیچ عملی فروگذار نکردند. امپریالیسم ایالات متحده امیدوار بود با بزا نورآوردن خلق ما و بهره برداری از اختلاف نظر در اردوگاه سوسیالیستی، بر تضادهای بین المللی بیسی از پیش بیفزاید و با این ترتیب کشور ما را بدلقوا و همبستجا کند. ایالات متحده تبدیل به میدان زور آزمائی و اعانه حیثیت برای امپریالیسم ایالات متحده نماید. جنگ تجا و زکارانه ایالات متحده در ویتنام نقش مهمی را در استراتژی جهانی ضد انقلابی امپریالیسم ایالات متحده ایفا می نمود. ایالات متحده در صدد آن بود به دنیا نشان دهد که قدرت غول آسای نظامی و اقتصادی وی قادر به سرکوبی هر جنبش رهایی بخش ملی بوده و برای آن را دارد که از بهر قدرت سوسیالیسم در هر نقطه جهان جلوگیری نماید.

خلق ما در جنگ انقلابی طولانی خود بر ضد تجا و امپریالیستهای ایالات متحده با استراتژی های رژیسی جمهوری آن کشور را یکی پس از دیگری با شکست مواجه نمود و جنگ مهمی پرستانه خود را تا پیروزی نهائی افتخار آمیزی قدم بقدم به پیش برد.

انقلاب در جنوب، بعد از گذار از دوره سپهکین بین سالهای ۱۹۵۸ و ۱۹۵۹، با الهام از قطعنامه یا نهمین اجلاس (دومین همبست قانونگذاری) کمیته مرکزی حزب (۱۹۵۹) و قطعنامه سومین کنفرانس حزب، از حالت دفاعی بهرون آمده حالت تعرض بخود گرفت. در اواخر ۱۹۵۹ و اوائل ۱۹۶۰، نهامهای هم آهنگ شده ای در مناطقی وسیع از دلتای سام بو و ارتفاعات مرکزی صورت گرفت. این قیام های کم دامنه - علی الخصوص بعد از پیروزی اپ بک - سرعت به مرحله جنگ انقلابی و مبارزه ای که هم نظامی و هم سیاسی بود تحول یافت. در این مرحله درگیری با دشمن با استفاده از عوامل جنگ کومنتائی و روشنائسی، مبارزه شدید در شهرها صورت گرفت و باعث سقوط رژیم نستاننده و فاشیست نگو دین دیم شد و شهرها استراتژی "جنگ مخصوص" امپریالیسم ایالات متحده از هم گسیخت.

در سال ۱۹۶۵ جنگ تجا و زکارانه ایالات متحده دستخوش تحول جدیدی شد. در حالیکه دولت جانسن دست به "جنگ محلی" در جنوب و عملات هوائی تخریبی بر ضد شمال میزد، یازدهمین و دوازدهمین اجلاس کمیته مرکزی حزب (مارس ۱۹۶۵ و سائمبر ۱۹۶۵) مسئله برقراری تعادل بین نیروهای خودی و دشمن را بطرز علمی تحلیل نموده شکست حتمی امپریالیسم ایالات متحده را پیش بینی نمود و کلیه افراد ارتدو و خلقمان را در سرتاسر مملکت برای ادامه استراتژی تعرضی و روحیه اتکاء بخود و تقویت نیروی خلق، بسیج کرد و با

ایمان به پیروزی قطعی بر تجا وزکاران ایالات متحده، برای رهایی جنوب و حفظ شمال و حرکت بسوی اتحاد مجدد کشورها از جهان درخواست کمک نمود.

خلق ما در پاسخ به این ندای پرزبدنت هوشی مین که «هیچ چیز در جهان با ارزش تر از استقلال و آزادی نیست» «با شوق و شور فراوان به میدان نبرد هفتاد و هشتمین پیروزی چشمگیر را در نوبی تان و ون نو آنک (واقع در جنوب مرکزی ویتنام) بدست آورد و متعاقباً بن پیروزی ضمن آنکه حملات هوایی ویرانگر ایالات متحده در شمال را غنشی می نمود، عملیات استراتژیکی ضد حمله آن کشور را در جنوب از هم پاشید. در بهار سال ۱۹۶۸ هنگامیکه جنگ تصاعدی ایالات متحده با وچ خود میرسد چهاردهمین اجلاس کمیته مرکزی حزب برای وارد آوردن ضربه کاری بر امپال تجا وزکارانه ایالات متحده تصمیم به حمله ترمزی و قیام همگانی سال نو قمری مائوتان گرفت. پیروزی درخشان ناشی از این ضربه ترمزی جسورانه و غیر مترقبه وضعیت استراتژیکی دشمن را برهم زد و استراتژی «جنگ محلی» امپریالیسم ایالات متحده را مختل ساخت و اراده تجا وزکارانه آنرا منززل نمود. بدین ترتیب دولت جانسن مجبور به مرفنظر کردن از جنگ تصاعدی عده و با ما در کنفرانس پاریس به مذاکره نشست.

امپریالیسم ایالات متحده با قتلغای طبع بی نهایت سفاک و یکدنده خود بعد از تحمل این شکست آرام ننفت و از ۱۹۶۹ به بعد در عین آنکه به جنگ در لائوس دامن می زدودا منه آنرا به کامبوج می کشاند «به» «دکترین نیکسون» و استراتژی «ویتنام میزه کردن جنگ» متوسل شده و با استفاده کامل از قدرت نظامی و مانورهای بغایت مزورانه سیاسی و دیپلماتیک خود با مید عده نمودن و منفرد ساختن مقاومت خلق ویتنام می نمود موقسمسیت مستحکمتری برای خود بست و با کنده ارتش و خلق ما «با هماهنگی صمیمانه با مبارزه خلق های برادر لائوس و کامبوج» در مقابل با این استراتژی جنگی جدید ایالات متحده ضربات گهیج کننده ای بر فرقی دشمن فرود آورد. ما متعاقباً پیروزی چشمگیر جاده ۹ - جبهه جنوبی لائوس - عملیات ترمزی استراتژیکی ۱۹۷۲ را در تمام میدانهای نبرد در جنوب آغاز نمودیم و طی آن بتدریج ضربات جانکاهی برگردانهای مزدور و ارداوردیم و علاوه بر آن خطوط دفاعی بسیاری را در کوانگ تری و تی نگوین و نام بو شرقی درهم شکستیم. با این ترتیب قسمت مهمی از برنامه دشمن مبنی بر برقراری آرامی در روستا راعقیم گذارده و همزمان با آن دومین جنگ نمان براندازانه ایالات متحده را در شمال با شکست کامل مواجهه

کردانندیم. پیروزی بسیار عظیم استراتژی تعرضی ۱۹۷۲ و موفقیت بارز ارتش و خلق ما در دفع حملات استراتژیکی بعبافکن های پ- ۵۲ به هانوی و هافونگ، سرانجام امپریالیستهای ایالات متحده را وادار به امضای موافقتنامه پاریس و فراخواندن کلیه افراد نظامی ایالات متحده و اقامارآن از کشور ما نمود.

برای خلق ما موافقتنامه پاریس پیروزی بزرگی بشمار میرفت و هرچند که امپریالیست-لیسم ایالات متحده و حکومت دست نشانده نیکوین وان تهر مرتبا [تراجرای مفاد] آن کار-شکنی میکردند، ما میبایستی در اثر ارزیابی صحیح از ترقیه قهرآمیز امپریالیسم ایالات متحده و مزدوران آن به استراتژی تعرضی توسل می جستیم و برای اتمام عملیات ضد تعرضی و کسب پیروزی کامل در سه جبهه نظامی سیاسی و دیپلماتیک قاطعانه مبارزه می نمودیم. در فاصله بین سالهای ۷۴ - ۱۹۷۲ از پیروزی در نام بو غربی گرفته تا آزاد نمودن تواریک داک و فوک لانگ و وضع در میدانهای نبرد جنوبی مرتبا به نفع ما تغییر پیدا میکرد. اجلاسهای دفتر سیاسی در اکتبر ۱۹۷۴ (از ۳۰ سپتامبر تا ۱۷ اکتبر ۱۹۷۴) و اوایل ۱۹۷۵ (از ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۴ تا ۸ ژانویه ۱۹۷۵) تعادل بین نیروهای دشمن و خود را در شرایط جدید بموقع ارزیابی نمود و بصراحت فرار سپیدن فرصت مناسب تاریخی را اعلام کرد. بدنبال این ارزیابی برنامه های استراتژیکی حملات تعرضی همه جانبه و قیام بهار ۱۹۷۵ را طرح ریخت تا جنوب را کاملاً آزاد ساخته و ایالات متحده را در جنگ تجاوز کارانه نواستعماری با شکست کامل مواجه سازد.

تعرض همه جانبه و قیام بهار ۱۹۷۵ قدمی دیگر در قوام جنگ مقاومت میهن پرستانه ما بر ضد تجاوز ایالات متحده بشمار میآید. این تعرض و این قیام در برگیرنده نیروها و عواملی بود که قدرت شکست ناپذیر خلق ما در جنگ مقاومت میهن پرستانه بزرگ آنها را تشکیل میدهند. این مرحله از جنگ با سرعت "یکروز معادل بیست سال" سپری شد. ظرف ۵۵ شبانه روز ارتش و خلق ما با قدرتی نهم کوبنده در میدانهای نظامی و سیاسی در سه نبرد کلیدی زیر به پیروزی کامل رسید: نبرد گنا بنده در من می توت که منتهی به آزاد شدن سراسر تائی نگو-ین (ارتفاعات مرکزی) شد و طی دومین نبرد هونگ و فانانگ آزاد گردید و قسمت های ساحلی مرکزی از وجود دشمن پاک شد و ونبرد فرجامین با اسم رمز کارزار تاریخی هوئی مین که منتهی به آزادی سایگون - جیا دین و بنجه استان نام بو گردید. بهر از یک میلیون از سباهان مزدور و کلیه هیئت حاکمه دست نشانده تار و مار گردیدند رژیم نواستعماری ای

که پنج رئیس جمهور ایالات متحده یکی پس از دیگری با زحمت فراوان بهم جوش داده و بر پا نگاهداشته بودند سقوط نمود.

خلی ما بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم طی ۲۱ سال به کار بزرگترین و عفن ترین و وحشی ترین جنگ تجا و زکارانه نو استعماری را [محکوم] بشکست کرد. امپریالیسم ایالات متحده با داعیه جنون آمیز قلع و قمع نیروهای انقلابی در جنوب و باز پس گرداندن شمال به " عصر حجر " بیش از ۶۰۰,۰۰۰ افراد ارتش خود و پنج کشور اقماری اش را به کشور ما گسیل داشت تا بعنوان هسته مرکزی ارتش مزدور بیش از یک میلیون و عمل نماید. در اوج جریان جنگ به ۶۸ درصد نیروی زمینی، ۶۰ درصد نیروی دریایی و ۲۲ درصد نیروی هوایی تا کتیکی و ۵۰ درصد نیروی هوایی اختراعاتی نیروهای مسلح ایالات متحده فرمان آماده باغ داده شده بود.

چنانچه تعداد سربازانی را که ایالات متحده آمریکا در خارج داشته و در جنگ ویتنام شرکت داده بود بحساب بیاوریم این رقم از ۸۰۰,۰۰۰ نفر تجاوز می کند. ایالات متحده در طول جنگ کلاً ۱ میلیون افراد نظامی [جی . آی .] به ما موریت ویتنام گسیل داشت و ۷۸۵۰,۰۰۰ تن بمب بر روی کشور ما فرود ریخت و بالغ بر ۳۵۲ میلیارد دلار [هزینه جنگی] متحمل شد. بملاوه و وی از آخرین اختراعات علمی و فنی برای انجام جنایات به شمار و قتل عام عمومی کمک گرفت. امروزه وقتی ما بمغرب برگشته ماهیت و ابعاد این جنگ را از نظر می گذرانیم و نیروها و نفع هائیکه خود نعمت انان به پیاده کردن آن در کشور ما نموده است مرور میکنیم، در میابیم که انقلاب ما از چه فراز و نشیب های سهمگینی عبور کرده است و تازه به اهمیت و دامنه وسیع جنگ میهن پرستانه خود بر ضد تجاوز ایالات متحده پی می بریم.

این جنگ بزرگترین شکست در تاریخ امپریالیسم ایالات متحده بحساب می آید. پیروزی ما در انقلاب اوت ۱۹۴۵ و جنگ مقاومت بر ضد تجاوز فرانسه و با به های استعمار کهنه را درهم کوفت. بهمین ترتیب پیروزی ما در جنگ مقاومت در مقابل تجاوز ایالات متحده به جهان نمایان و رشکستگی تمام عبار و محتوم استعمار نورا بوضوح نشان داد. در حال حاضر کاملاً آشکار است که نیروهای انقلابی، رشد یافته و بیش از هر زمان دیگر بر قلمرو خود افزوده اند. امپریالیسم ایالات متحده نه تنها دیگر نمیتواند آزادانه نقش زاندارم بین المللی را بازی نماید، بلکه قادر نیست به یک وجب هاك هیچ کشور سوسیالیستی نیز تجاوز بنماید و جنبش-

های رهائی بخش ملی را واپس بینداند یا حرکت کفو را با سمت سوسیالیسم مانع شود.
 رفقا، پیروزی عظیم ما در جنگ میهن پرستانه بر ضد تجاوز ایالات متحده، بیسی
 از هر چیز پیروزی عظیم مستقل و خودمختار و صحیح و عیالی سیاسی و نظامی حزب ما بوده است.
 بعد از آنکه امپریالیسم ایالات متحده با یی را توی کفن استعمار فرانسه کرد و تسلط
 خود را بر جنوب تحمیل نمود و حزب ما با انطباق مارکسیسم - لنینیسم به عرابط ویژه
 کفو مان میوه ای اتحاد نمود که طی آن همزمان با ادامه انقلاب دمکراتیک توده ای در
 جنوب و انقلاب سوسیالیستی در شمال، در فنی استقلال ملی و سوسیالیسم را برافراشت.
 لازمه های جنوب و حراست و ساختمان عمال بوده همانطور که لازمه حراست و ساختمان عمال،
 شکست تجاوزگران ایالات متحده در جنوب بود. در برنامه استراتژیکی برای نیل بیک هدف
 مشترک همین دو برنامه درهم انغام شده این هدف مشترک عبارت بود از: تحقق انقلاب
 دمکراتیک توده ای ملی در سراسر کفو و اتحاد مجدد شمال و جنوب، حزب ما اعنفا در اسخ
 داشت که علی ما بیک جنگ تجاوزکارانه سرکرده امپریالیسم را محکوم بشکست کرده و آن دو
 وظیفه عظیم را با انجام خواهد رسانید. مهم ترین خصیصه و مشخصه اصلی انقلاب ما از زوئنه
 ۱۹۵۱ تا مه ۱۹۷۵ ه آن بود که حزب رهبری کننده کفوری که موقتا بدو پاره تقسیم شده بود
 خود را مؤلف به انجام همزمان دو وظیفه استراتژیکی متفاوت می دید. حزب ما همزمان با
 برافراشته نگاه داشتن دو در فنی استقلال ملی و سوسیالیسم و قدرت رزمنده خط عربی
 [اول] جبهه را با نیروهای بالقوه پایگاه عظیم پشت جبهه درهم آمیخته، کلیه نیروهای
 علی را در سراسر کفو برای حرکت در مبارزه میهنی به حداکثر بسیج نمود و سنتهای انقلابی
 و نیروی عیالی حزب و ملتمان را به درجه ای اعلا تبلور، ترکیب و تکامل بخشید.
 انقلاب ویتنام و با برافراستن این دو در فنی ما بین حقیقت پرفروغ زمان ما - یعنی
 لزوم درهم آمیختن سوسیالیسم با استقلال ملی، ارتباط هرچه نزدیکتر جنگ میهنی علی با
 حالت تعرض به جریان انقلابی و در ارتباط قرار دادن احتجاجات اساسی علی خود با اهداف
 انقلابی علفهای جهان صلح با استقلال ملی، دمکراسی و سوسیالیسم را با ثبات رسانده، ما
 بشکرانه ترکیب قدرت علی خود با قدرت زمان ما سیاست خارجی صحیح حزبمان و توانستیم
 پشتیبانی معنوی و مادی فراوانی از کفوهای سوسیالیستی برانر و تمام نیروهای انقلابی
 و مترقی جهان بگیریم و با این وسیله جبهه یمن العلی وسیع به ما بده ای در پشتیبانی از
 ویتنام بر ضد تجاوز ایالات متحده بوجود میاوریم.

پیروزی انقلاب در جنوب و جنگ مقاومت ما بر ضد تجاوز ایالات متحده بمنزله
 پیروزی استراتژی تعرضی ما است. از اوج "قیام هماهنگ" گرفته تا جنگ انقلابی - که
 پیروزی بر ضد اعمال تجاوزکارانه امپریالیسم ایالات متحده را برای ما بارمغان آورد -
 انقلاب در جنوب و جنگ میهنی ما بر ضد تجاوز ایالات متحده، جنگی حاکی از روند مداوم و
 استمرار حالت تعرضی و اجرای بدون وقفه استراتژی تعرضی ما بوده از آنجا که نیروهای
 دشمن از لحاظ کمی بر ما برتری داشت و میبایستی بیاموزیم که چگونه قدم بقدم نفقه های
 سیاسی و نظامی وی را در هر مرحله نقض برآب کنیم و وی را قدم بقدم مغلوب بنمائیم، تا
 قادر شویم میدانهای نبرد انقلابی خود را بی هیچ وقفه ای انجام داده موضع و بنیه خود
 را در جهت حرکت بسوی پیروزی نهائی بر دشمن غالب گردانیم.

حزب ما در جریان این روند، تعویب و دفاع پایگاه هفت جبهه در شمال - این عامل
 ثابت و تعیین کننده پیروزی در جنگ میهنی ما - را همواره در مدنظر داشت. بنا بر این حزب
 ما در حالیکه عملیات تعرضی خود را بیچشمی بر دوطیفه عقیم گذاشتن و عکس نیروی زمینی
 دشمن در جنوب را نیز بصیغه داشت و زمانیکه ایالات متحده جنگ را نماعدو وسعت بعهده حزب
 ما منما قبا وظیفه شکست قطعی هر نوع شیوه جنگی ایالات متحده را همزمان با کوشش در جهت فشار آوردن
 به آن کشور در تقلیل مرحله ای نیروهاش - با توجه به نزدیکی شدن ما به کسب پیروزی نهائی بعهده گرفته
 جنگ مقاومت ما بر علیه تجاوز ایالات متحده، مقاومتی همه جانبه و طولانی بود که
 سراسر مملکت ما را در بر میگرفت. حزب ما همراه با سازمانهای نیروهای رزمنده سراسر
 مملکت سعی بطبع در شکل دادن و تحول نیروهای انقلابی در جنوب مبذول میداشت. این نیروهای
 انقلابی عبارتند از: سازمانهای حزبی جنوب - که خود را برای مبارزه در خط اول جبهه
 عظیم جنگ بصورت افرادی مجرب و کارآزموده آماده نموده بود. اتحاد کارگران و دهقانان
 که حزب ما طی انقلاب دموکراتیک ملی با سرکوشش فراوان بوجود آورده بود. ارتش
 سیاسی توده ها و نیروهای مسلح خلق - این دوی نیروی رزمنده اصلی در جنگ انقلابی - جبهه
 ملی برای رهائی ویتنام جنوبی - جبهه میهن پرستانهای ای که تحت رهبری حزب ما از سازمانها
 و کارگران، دهقانان، جوانان، زنان، دانشجویان، روشنفکران، سازمانهای مذهبی
 مختلف و نمایندگان ملیتهای کونا کون تشکیل میگرفت. حکومت موقت انقلابی جمهوری ویتنام
 جنوبی - که همراه با جبهه رهائی بشری ملی، سوده های عظیمی از اقشار مردم جنوب را برای
 انجام جنگ مقاومت میهنی بسیج نمود و آنها را بحرکت درآورد و مرددی و پشیمانسی
 حلقها و دول بسیاری را در سراسر جهان جلب نمود.

شیوه ما در تحقق انقلاب در جنوب - یعنی مطالبی که در بر کمرنده قانون مبنی جنگ
مقاومت انقلابی بر ضد تجاوز ایالات متحده میباشد - عبارت بود از : استفاده از قهر انقلابی
بوسیله دنیرو - نیروی سیاسی توده ها و نیروهای مسلح خلق و برپا نمودن قیامهای کم دامنه
در روستاها و توسعه این قیامها به جنگ انقلابی و تلفیق مبارزه نظامی با [مبارزه] سیاسی
و دیپلماتیک و تلفیق قیامهای توده ای با جنگ انقلابی و قیام با تعرض، تعرض با قیام و ضربه
وارد آوردن به دشمن در هر سه نقطه استراتژیکی کوهستان مروستا و شهر و حمله به دشمن بسا
توسیل به سه عمده عملیات نظامی و سیاسی و تهییج [آژیتاسیون] در بین سربازان دشمن ؛
تلفیق سه بخش نیروهای مسلح (ارتش دائمی و ارتش منطقه ای و نیروهای چریکی) و تلفیق
جنگ چریکی با جنگ منظم و تلفیق حملات بزرگ و متوسط و کوچک با یکدیگر و اعمال کنترل
بر نواحی برای پاک نمودن آن از وجود دشمن و پاک نمودن نواحی از وجود دشمن برای کنترل
آن و ترك عمیق رهنمونهای استراتژیکی نبرد طولانی با وفوف کامل به چگونگی آفرینش و
استفاده از فرصتهای مناسب برای شروع تعرض استراتژیکی در جهت تغییر وضع جنگ و حرکت بسوی
يك تعرض و قیام همگانی برای نابودی دشمن و کسب پیروزی نهائی.

کلیه این اشکال و شیوه های مبارزه اجزاء يك کل واحد بودند که با یکدیگر روابط
ارگانیک داشته مجموعه استراتژیک و نظامی هنر جنگ انقلابی و بیخام را بوجود می آوردند.
اینها همه نتیجه برخاستن انطباقی خلاق اندیشه مارکسیسم - لنینیسم در زمینه قهر انقلابی
و علم نظامی با شرایط ویژه کشور ما و ارتقاء تجربیات حاصل شده از مقاومت ما بسوی
استعمارگران فرانسوی و مجموع تجربیات مبارزات انقلابی ما از بدو تشکیل حزب میباشد.
خط مشی سیاسی و نظامی فوق در اجرای انقلاب ما و جنگ انقلابی ما همچنان نیروی عظیمی
گرم آورد که خلق ما را قادر به شکست ارتش غول آسا و اقدامات جنگی عظیم شروتمندترین و
قدرتمندترین و سفاکترین امپریالیسم زمان ما نمود.

کمیته مرکزی حزب ما در روند رهبری انقلاب در جنوب و جنگ مبین پرسانه بر ضد تجاوز
ایالات متحده دست امپریالیسم آن کشور را خوب خوانده، تعادل بین قوای دشمن و خود را بطرز
صحیحی ارزیابی نموده است استراتژیکی دقیق و عاقلانه و انعطاف پذیر خود را برای شکست کلیه
نقشه ها و اقدامات جنگی ایالات متحده و مزدوران آن در هر مرحله بدرستی تشخیص داده جنگ
تجاوزکارانه آنها را با شکست کامل مواجه گردانده این موفقیت چشم گیر رهنمود استراتژیکی
کمیته مرکزی حزب ما تلقی میکرد . همچنین این موفقیت با زمانه نبرد میباشد که بدست

کمیته های حزب و فرماندهان ارتش در سطوح مختلف انجام پذیرفت. بهرجهت درجذگی کسب
 امهریالهم ایالات متحده طی آن به تجسّات و تحقیقات پرداخته و درحین جنگ انواع واقعا
 استراتژی و تاکتیک خود را به بونه آزمای می گذاشت و به جنگ تعامدی مرحله ای که در تاریخ
 بی سابقه است مبادرت مینموده. عناصر دشمن و خود در کپرو دار جنگ و تحول مادی مصاف در
 میدان نبرد، مستلزم ترکی عمیق تره دقیق تر، روشن تر و پیوسته تر از هر زمان دهم-گر بود.
 ما بر اساس رهنمونهای استراتژیکی صحیح آغاز بکار کردیم و در جریان عمل درسا آموختیم.
 این یکی از مهم ترین درسهائی است که ما کسب نمودیم. جنگ مقاومت ما بر ضد تجاوز ایالات
 متحده، گنجینه غنی و با ارزشی از تجربیات است. ما بعدها با یسوی به جمع بندیهای جنگ
 میهنی خود برای تحول و تکاملی تئوری و علم نظامی ویتنامی با توجه به رفع احتیاجات مربوط
 به دفاع از ما میهن و رژیم سوسیالیستی در دوران جدید سوسیالیسم دهم.

پهروزی ما نشان داد که در روزگار ما زمانی که نیروهای انقلابی جهان حالت
 تعرضی بخود گرفته اند هرملنی هر چند فاند سرزمینی وسیع و جمعیتی انبوه باشد در صورتیکه
 متحدا و بطرز ناطع تحت رهبری یک حزب مارکسیست - لنینیست صلح به خط و منی انقلابی
 صحیح بجنگ مبادرت نماید و دو طرف استقلال ملی و سوسیالیسم را باهتزاز برآورد و از
 همفردی و مساعدت و پشتیبانی کهورهای سوسیالیستی و نیروهای انقلابی بر و انسانهای مترقی سراسر
 جهان برخوردار باشد که ملا فادر خواهد بود کلمه نیروهای تجاوزگر امهریالهم و حتی
 سرکرده آنها نیز بزانو درآورد.

رفقاء پهروزی ما در جنگ میهنی بر ضد تجاوز ایالات متحده پهروزی دواستراتژی
 انقلابی است که همزمان با یکدیگر دنبال شده است؛ باین معنی که انقلاب دمکراتیک ملی
 خلق در جنوب را با انقلاب سوسیالیستی در شمال تلفیق نموده است. بنا با عاره سرب حزب
 در فطنتا سومین گذره ما آنچه که پراتیک نشان داده است، انقلاب دمکراتیک ملی خلق
 در جنوب اثری مستقیم و تعیین کننده در برچیدن بساط امهریالیستها و ایالات متحده و سلطه
 دست نشاندهگان آنان داشته است. با توجه باین حقیقت که اجرای انقلاب سوسیالیستی در
 شمال در رابطه با توسعه تمام بدنه انقلاب در کهور ما و اتحاد مجدد [شمال و جنوب] تعیین
 کننده ترین تکلیف تلقی گردیده است.

در حقیقت کسب پهروزی بدون وجود سوسیالیسم در شمال که همواره دو تکلیف استراتژیکی
 مزبور را با هم طی ۱۶ سال اخیر انجام داده است، غیر ممکن بود. بخصوص از ۱۹۶۰ بعد

از آنکه با زهمین اجلاس کمیته مرکزی حزب ما خاطر نشان نمود که «جنگ میهنی ما بر ضد تجاوز ایالات متحده مهم ترین تکلیف فرد فرد اعضاء حزب، خلق و ارتش میباشد» -
 عمال تمام قدرت رژیم سوسیالیستی اعر را بر خدمت نجات و دفاع کشورمان درآورده و در این راه وظیفه خود را به پاهای انقلابی سراسر مملکت بنحو احسن انجام داده است و با این ترتیب شاهین احرار لقب «دژ تخمیر ناپذیر سوسیالیسم» میباشد.
 عمال در بخش دگرگونی و ساختمان سوسیالیستی اقتصاد ملی به دستاوردهای افتخار آمیزی نایل آمده است. مهم ترین این دستاوردها از زمین بردن استثمار انسان از انسان است. مالکیت سوسیالیستی بدو صورت - مالکیت تمام خلق و مالکیت جمعی - در سراسر مملکت ایجاد گردیده است. تا آغاز ۱۹۷۵، در قسمت تولید مادی، ۹۹/۷ درصد اراضی های ثابت به اقتصاد سوسیالیستی تعلق یافته بود و سهم عمده درآمد ملی و تولیدات صنعتی و کفا و رزی اختصاص به اقتصاد سوسیالیستی داشت.

طبقات استثمارگر بمنوان طبقه محو گردیده اند. طبقه کارگر که رهبری انقلاب را بدست دارد، از لحاظ کمیت و کیفیت رشد نموده است. دهقانان طبقه نوینی را تشکیل داده اند. کولکتیوهای دهقانی و در نتیجه آنها اتحاد کارگر - دهقان به سطحی بالاتر و جدیدتر تقویت و ارتقاء یافته است. روشنفکران سوسیالیست، که اکثریتشان تحت لوای رژیم جدید پرورش یافته اند، با گذشت هر روز تکامل [فکری] بیشتری یافته اند. اجتماع در عمال تبدیل به جامعه خلق کارگر گردیده است. وحدت سیاسی و اخلاقی بین خلق بطرز روزافزونی مستحکم شده است. اقلیت های مختلف با حفظ جوهر سوسیالیستی در شرایط مساوی با همبستگی و اتفای نظر زندگی میکنند. در حال حاضر تفاوتی بین زن و مرد گذاشته نمیشود و زنان هرگونه تکلیفی را که اجتماع برای آنها مقرر نماید بعهده میگیرند.

ما در پرتو خط مئی هائی که سومین کنفرانس حزب برای اجرای قطعنامه پنجمین، هفتمین و هشتمین اجلاس کمیته مرکزی طرح و تدوین نموده، قادر شده ایم هال سوخته اولیه مادی و فنی سوسیالیسم را که متوجه تولیدات مفرن و بزرگ اقتصاد مستقل و قائم بذات است، بریزیم. در طول سالهای ۱۹۷۴ - ۱۹۷۶، سرمایه گذاری مالی در ساختمان اقتصادی بالغ بر ۱/۵ برابر رقم مشابه سالهای ۱۹۵۷ - ۱۹۵۵ میگردد. عمال تا سال ۱۹۶۴ به تولید کامل مواد اصلی غذایی توفیق یافته، قادر به تولید

۹۰ درصد کالاهای مصرفی خود خریدیده در همین حال به ایجاد منابعی برای ذخیره در کشور آغاز نموده بود. لیکن از سال ۱۹۶۵ ه. اقتصاد شمال میبایستی از حالت اقتصاد زمان صلح درآمده تبدیل به اقتصاد زمان جنگ گردد و از آن سال تا ۱۹۷۵ ما میبایستی با جنگ‌خاندان برانداز اہالیات منحدہ کہ تنها فرصت‌های پراکنده و کوتاهی برای ترمیم اقتصادی برایشان باقی می‌گذشت خود را وفق مبادییم با اینهمه ساختمان سوسیالیستی به دستاوردهای قابل توجهی نایل آمد. تا سال ۱۹۷۵ دارای‌های ثابت در قسمت تولید مواد در مقایسه با رقم مشابه در ۱۹۶۰ بمقیاس ۵/۱ برابر افزایش یافته بود. تعداد کارگاه‌های صنعتی در مقایسه با ۱۹۵۵، ۱۶/۵ برابر افزایش یافته بود. بسیاری از بخش‌های صنعتی بزرگ‌ها بحرصه وجود گذاشته یا در مرحله تشکیل بودند. در بخش ساختمان صنعتی هالوده اولیه شاخه‌های مهمی از صنایع سنگین چون برون و ذغال سنگ، مهندسی و نوب فلزات، مواد شیمیائی و مصالح ساختمانی ریخته شده بود و شاخه‌های متعدد صنایع سبک و عبک‌های ارتباطاتی نیز رشد کرده بودند.

در بخش کفای و رزی همگام با نهضت کوآپرتیو و بیکرانه موفقیت‌همین نهضت سبک عبک آبپاری - که ضامن رساندن وزهکی آب به صدها هزار هکتار زمین بود - ساخته شد. بیش از نیمی از کوآپرتیوهای کفای و رزی مجهز به ماشینهای مهندسی کوچک شد. تولیدبری برای صارف کفای و رزی، پمپ‌های آب و تراکتور در مقایسه با ۱۹۵۵ افزایش چندین برابر داشته است. در بخش کفای و رزی کوششهای بسیاری در بکار بردن تعدادی از دستاوردهای و ترفنی نوینی در فنون کشتکاری و نامداری بعمل آمد و موفقیت‌های شاہان توجهی در افزایش بازده برنج و مضاف نمودن محصول، بخصوص تثبیت و افزایش محصول زمستانه - بهاره به دست آمد.

برجسته ترین موفقیت شمال سوسیالیستی در امور آموزش و پرورش، فرهنگ و بهداشت عمومی میباشد که حتی طی سالهای جنگ نیز با سرعت زیاد توسعه یافت. در شهرها و روستاها و مرتفعات مدارس کثرت یافتند. در روستاها مدارس سیکل اول متوسطه و در بخش‌ها مدارس سیکل دوم متوسطه تأسیس شده است. در حال حاضر در عمال از هر صده نفر یک نفر بمرتبه می‌رود. تعداد کارهای علمی و فنی و مدیریت - دارای مدارک فنی لیسانس، لیسانس و فوق دیپلم حرفه‌ای - بالغ بر ۴۳۰۰۰۰ نفر میباشد. این تعداد ۱۹ برابر رقم مشابه در ۱۹۶۰ میباشد. در ۱۹۷۵ از هر ۱۰۰۰۰ نفر شاغلین بکار ۱۰۴ نفر در رشته‌های فنی و ۲۶۰ نفر کار فنی دیپلم ۱۶۰۰ نفر کارگر فنی، و ۱۲۰ نفر لیسانس

وفوق لیسانس سرگرم بکار بوده اند. شبکه بهداشت عمومی بمقیاس وسیعی گسترش یافته است. بر مراقبت از مادران و کودکان افزوده شده است. تعداد پزشک متخصص و عمومی ۱۲/۶ برابر و تعداد تختها بجا ۲/۳ برابر نسبت به ارقام مشابه در ۱۹۶۰ افزایش داشته است. فضا-لمتھای فرهنگی و هنری نیز از بسیاری جهات ربا محتوای بهتر توسعه یافته، توده‌ها را برنامه مبارزه و تولید لازم و برای کسب استقلال آزادی و سوسیالیسم تحریر نموده و سهم بزرگی در ساختمان زندگانی نوین و شکل دادن به انسان نوع جدید - که بهترین مثال آن هزارها هزار قهرمان و جنگجویان و کارگران پرخور ما میباشد - داشته است.

شمال بطور کلی بعد از ۲۰ سال دگرگونی و سازندگی، در برقراری يك سیستم اجتماعی - اقتصادی سوسیالیستی توأم با مناسبات تولیدی سوسیالیستی و خالوده مادی و فنیسی اولیه سوسیالیستی همراه با استحکام بخشیدن به دیکتاتوری پرولتاریا و ایدئولوژی و فرهنگ سوسیالیستی - که بنیادی مستحکم داشته و موجب تظہیرات همه جانبه عمیق مسی باشد - نخستین گامها را برداشته است.

در حال حاضر و در شمال، زحمتکشان، دیگر مورد استثمار و تحقیر قرار نمیگیرند. با وجودیکه جمعیت کشور طرف ۲۰ سال اخیر تقریباً دو برابر شده است، همه از عوراک و پوشاک کافی برخوردارند. تمام کودکان استطاعت رفتن به مدرسه را پیدا نموده اند و سیستم فرهنگ عمومی و سطح زندگی جامعه نیز بطرز شایان توجهی بالا رفته است. راه نوین زندگی اکنون در همه جا گسترش یافته است. رابطه بین مردم [اکنون سرشار از] احترام، همبستگی و عشق متقابل است. در سالهای جنگ از پائین رفتن سطح تولید جلوگیری شد و حتی در بعضی شعب و جهات پیشرفتهائی حاصل شده. در این دوره احتیاجات حیاتی خلق برآورده شده. هیچگونه فحطی و بیماری همه گیر رخ نداد. امنیت سیاسی و نظم اجتماعی بقوت خود باقی مانده. با وجودیکه سطح زندگی چندان بالا نبود و زندگی مملو از مشکلات گوناگون بود لیکن ترك منشاء این مشکلات برای همه کسی میسر بود و همه عمیقاً به آینده امیدوار بودند.

این دستاوردها و تظہیرات در مقایسه با اهداف سوسیالیسم هنوز چیزی بحساب نمی آمدند. با اینحال، با توجه به این مشکلات، شمال میبایستی میلیونها تن بمبسی را که ایالات متحده بر سرش مبرهت تحمل کرده، نیروی انسانی و منابع مادی خود را برای الحاق به هم و طفا ن جنوبی در جنگ میهن پرستانه برضد تجاوز ایالات متحده به عطا اول جنبه کسبل دارد و هم زمان با آن به وظایف بین المللی خود عمل نماید. این

دستاوردها آنچنان خیره کننده بودند که تحقق آنها در خارج از دنیای سوسیالیستی بیشتر به خواب و خیال شباهت داشت. آزمایشات سهمگین در کبرودار جنک بختوبسی نشاندهنده برتری و قدرت سوسیالیسم میباشد. بخاطر وجود این [سوسیالیسم] بود که شمال قاره در سالهای اخیر پیگیرانه نقش تعیین کننده خود را در جنک انقلابی سراسر مملکت ارتقاء بخشید.

نتیجه بخشی عملی اقتصادی و فرهنگی این دگرگونی و سازندگی در شمال ما را وادار ساخت که به درستی خط انقلاب سوسیالیستی که توسط سومین کنگره حزب ما انشاء و در جلسات کمیته مرکزی حزب تعبیر و تفسیر شده بود صحت بگذاریم. ما سرعت شمال را از قید رژیم مستعمره و نیمه فئودال با اقتصاد کثا ورزی بینهایت عقب افتاده رها کرده بسوی رژیم سوسیالیستی سوق دادیم. ما با موفقیت کامل دو قانون جنک انقلابی و انقلاب سوسیالیستی را در هم ادغام نموده بدین ترتیب بر توان رژیم سوسیالیستی در خدمت جنک برای نجات و حفاظت میهنمان افزوده ایم درحالیکه از طرف دیگر از کوشش خود در ساختمان سوسیالیستی از بسیاری جهات نرهای نکاسته ایم.

درست است که ما بموفقیت نهائی عظیم خود بدیده تحسین مینگریم لیکن نقطه ضعفها و مشکلات اقتصادی شمال را نیز نادیده نمیگیریم. با وجود کام کوتاهی که بسمت تولید بزرگ سوسیالیستی پرداخته عده است، بطور کلی اقتصاد شمال هنوز دارای خصایص بارز تولید کوچک میباشد و پایه های مادی و فنی آن هنوز نازل و ضعیف است. شاخه های کلیدی صنعت و کوچک باقی مانده از یکدستی خاصی برخوردار نیستند و هنوز بصورت زیر بنای استوار اقتصادی شکل نگرفته اند. نیروهای تولیدی کثا ورزی تازه روبه توسعه گذاشته اند. کوآپرتیوها هنوز قوام نیافته اند. سطح فعالیت بخشها محدود بوده و بایستی تقویت شود. کثا ورزی هنوز قادر به برطرف نمودن نیازهای غذایی و خواربار مردم، تولید مواد خام جهت تغذیه، صنعت و تهیه محصولات کثا ورزی برای صادرات نیست. هشتاد درصد نیروی کار در سطح کار پیدی باقی مانده است و با آوری کار اجتماعی هنوز بسیار پائین است. ما دارای نیروی کار اجتماعی عظیمی میباشیم که بکار گرفته نشده است، از منابع طبیعی، زمین و جنگلها و دریا هنوز بهره برداری کامل نمیشود. تولید ناخالص ملی و درآمد ملی هنوز با سطحی نیازهای اساسی زندگی مردم و نیازهای مربوط به ذخیره لازم برای احداث زیر بنای مادی و فنی نیست. اینها همه، بعلاوه میزان رشد سریع جمعیت، زندگی اقتصادی و اجتماعی ما را زیر فشارهای

متعددی قرار داده است.

جلسات اخیر کمیته مرکزی حزب (۲۴، ۲۳، ۲۲، ۱۹) امین اجلاس به کمیته مرکزی حزب (با برخورداری از روح انتقاد از خود به عیوب و نقایص و نقطه ضعفهای حزب و دولت ما در امر رهبری، هدایت و مدیریت اقتصادی موعکافانه و جامع برخوردار نموده است.

بنیان خط انقلاب سوسیالیستی مطروحه توسط حزب ما صحیح میباشد. با اینوصفها این خط از بسیاری جهات، بموقع پیاده نشده، بطرزى مطلوب در قالب برنامه های توسعه اقتصادی و فرهنگی، رهنمونها، وظایف و مراحل عمل هر شعبه، مراحل و مراحل و موارد توسعه ای ریخته نشده است. اصول اساسی انقلاب سوسیالیستی، بخصوص آن قسمتهاى که بطور کلی عمومیت قانون مربوط به " پیشرفت تولید کوچک به تولید سوسیالیستی بزرگ " را داراست هنوز عمیقاً تفهیم نشده است. زیرا ما هنوز رابطه نزدیک بین دگرگونی مناسبات تولیدی و توسعه نیروهای مولد در شرایط گذار از تولید کوچک به تولید سوسیالیستی بزرگ را بروشنی استنباط نکرده ایم. ما در تهیه برنامه جهت دادن به توسعه کوآپریسهاى کثا و رزى و تولید کثا و رزى عتاب لازم را بخرج نداده ایم. ما برای ایجاد مرحله ای دارى اقتصادى که طی آن صنعت با کثا و رزى درهم آمیخته کامل میباشد این نکات را که " صنعتى نمودن سوسیالیستی و تلفیق اساسی دوران گذار است " و " تقدم منطقی با توسعه صنایع سنگین بر پایه توسعه کثا و رزى و صنایع سبک میباشد " عمیقاً در نیافته، بآن جا که عمل نهوشا نیده ایم. ما به کثا و رزى و صنایع سبک اهمیت لازم را نداده ایم. بسیاری از رهنمونها و اقداماتی که از قبل برای توسعه کثا و رزى طرح ریزی شده بود بموقع و مجدانه بطرزى دقیق بمورد اجرا در نیامده است.

صنایع سنگین موجود همواره بر انجام و تلفیق مربوط به پیوسته توسعه کثا و رزى و صنایع سبک قصور ورزیده است. ما هنوز تصور نرسى از رابطه اقتصاد مرکزی با اقتصاد محلی نداریم. علاوه بر آن به اقتصاد محلی هنوز توجه کافى مبذول نشده است.

سیستم مدیریت اقتصادى و سازمان تولید هنوز اقدامی در جهت افزایش نقش شعبات بعمل نیارده است و مدیریت در سطح بخش را با مدیریت در سطح منطقه درست تلفیق نموده است.

ما هنوز به انجام امر برنامه ریزی متناسب که وظیفه مدیریت اقتصادى میباشد نپرداخته ایم. هیئت های برنامه ریزی هنوز از قابلیت ها و احتیاجات ما درك عمیقى ندارند. لازم به تاکید است که کمیونهای عظیم ما در مدیریت اقتصادى همانطور که از کم توجهی ما در امر کارآئى و تولید هرچه بیشتر و کیفیت محصول برمیآید، در روش مدیریت بوروکراتیک و اداری، تکه پاره بودن صنایع نسبی و سازمان نهى مجزا از هم و سبک کار بسدور از

واقعیات، بیگانه با نودها رسمی و آکنده از اشکال تراشیهای بدون انعطاف و در بعضی مواقع در اینجا و آنجا فقدان روحیه و مسئولیت‌رزمندگی انقلابی هم‌بدا است. در یک سری مسائل مربوط به گرسنگی و توزیع مانند امور مالی و بانکی قیمت‌دست‌مزد و... هنوز صورتی نادرست و نقطه نظرهای متغایبی پیرامون تجارت و درآمد و هزینه‌ها سودزبان که در جای خود منتهی به سستی‌هایی می‌شود وجود دارد که در جریان عمل بر تولید و زندگی خلق اثر سوء می‌گذارد و بخصوص در رابطه با استفاده عقلانی از نیروی کار اجتماعی.

نقص دیگر خود موجد اوضاع فوق‌الذکر میباشد آنست که دستگاه مدیریت و سازمان اجرایی فاقد کارآیی لازم میباشد. رابطه فی‌ما بین حزب و دولت و توده در هر مرحله و هر واحد بروشنی تعریف نشده است. بعضی‌ها و سازمانهای درون سیستم دیگران توری پرولتاریا و طایف خود را بنحو احسن انجام نداده‌اند. نظام مسئولیت قاطع و دقیق نبوده و تا نوبندی سوسیالیستی هنوز آکنده از نقایص فراوان میباشد. امر ساختمان حزب و طایف کارها و کار ایدئولوژیکی هنوز در رابطه نزدیک با امور اقتصادی فرار نکرده و با شکوهی نیا زهای روز افزون اقدامات انقلابی نیست. در سازمان حزب اینجا و آنجا مواردی حاکی از بی‌منطقی و سستی مفاد معهوده میوه‌کار و اداره امور بهیچ‌نوعی ناجیزی باعثه است. کار ایدئولوژیکی فاقد کاردانی لازم بوده و هنوز قادر به انتقاد بموقع از مظاهر منفی جریان‌ها نمی‌باشد. فعالیتهای سازمانهای توده‌ای بطرز شایسته در قالب تولید و زندگی ریخته نشده است.

بدیهی است صورتی‌ها که اجرای بدون عیب و نقص کارها ما را از دشواریهای فعلی در اقتصاد و نحوه زندگانی در حال برخطر می‌داند، تصویری غیر واقع بینانه است. زیرا این دشواریها صرف نظر از دلائل ذهنی و دارای ریشه‌هایی عمیق می‌باشند. جنگ سراسری اقتصاد مبتنی بر تولید عقب‌افتاده کوچک ما را از هم گسیخت. شمال بیست سال است که برای توسعه سوسیالیستی قدم نهاده است. ولی از میان اینهمه سال عملاً هفت سال (از ۱۹۵۸ تا اواخر ۱۹۶۴) صرف عمران و آبادی شده است. شمال بدنبال دوران دگرگونی روابط تولیدی همزمان با انجام تکالیف بین‌المللی مجبور به شرکت مستقیم در جنگ ویرانگرانه نجا و زگران ایالات متحده شد. جنگ میهنی بر ضد تجاوز خارجی در جنوب بعنوان مهم‌ترین وظیفه قلمداد گردید و شمار " همه بسوی جبهه همه بسوی پیروزی " و رزبانها کشت علاوه بر اینها جنگ تقریباً هر آنچه را خلق با جدیت تمام، وقت و انرژی خود را صرف بوجود آوردن

آن نموده بود تا بود ساخت ، آهنگ پیسرفت دو با سه بر نامه پنج ساله شمال را بر امر تولید بمیزان فاحشی کند کرد و اعمال مدیریت اقتصادی را مختل نمود .

اکثریت قریب به اتفاق شهرها و نصیبات مورد حمله قرار گرفت و از این میان ۱۲ شهر و ۵۱ شهرستان از بیخ و بن ویران گردیدند . ۱۶۰۰ از ۵۷۸۸ دهکده موجود در ویتنام مورد حمله قرار گرفت و سی تا سی آن با خاک یکسان شد . کلیه بخشهای صنعتی مورد حمله قرار گرفت و بسیاری از این بخشها تا سرحد ویرانی تمام و کمال کفانده شدند . کلیه مراکز نیرورسانی صدمه فاحش دیدند . پنج میلیون متر مربع مساحت سکونتی شهری زهروروشد . تمام خطوط آهن ، پلها ، بناها ، خطوط دریایی و آبی داخلی و تأسیسات انبارداری آماج حمله قرار گرفت . دشمن ۱۶۰۰ شبکه آبرسانی ، اکثر مزارع دولتی و صدها هزار هکتار مزارع و باغات را نابود کردانید . ۴۰۰۰۰ گاومیش و گاو و نر نغله صدها مهریسا - لیستهای ایالات متحده ۳۰۰۰ مدرسه و ۲۵۰ بیمارستان را بمباران نمودند که از این میان ۱۰ بیمارستان بکلی مفیدم گفت . با وجود آنکه در قسمتهای زیادی توفیق نصیب ما گشته است ، لیکن امور اجتماعی - تولیدی نتوانسته است خود را از فید و بندگی کل بقدی تولید کوچک رها سازد . ایضاً سوسیالیسم در شمال بر پایه صنعت بزرگ بنیان گذاشته نشده است . در حال حاضر مهم ترین گره کار ، بوجود آمدن آوردن پایه های مادی و فنی سوسیالیسم و تجدید سازمان تولید اجتماعی در جهت حرکت بسمت تولید بزرگ سوسیالیستی میباشد .

رفقا ، " ویتنام کشوری است واحد و ملت ویتنام ملتی واحد " . چند هزار سال است که ویتنام تاریخی واحد برای يك مملکت و يك ملت داشته است و تاریخی حاکی از مبارزه بسی - وقفه و پیروزی دائم بر کلیه نیروهای تجار و تجزیه طلب .

درست بمنابر آنکه اسنعمار و نواز طرف امیریا لیم ایالات متحده به جنوب تحمیل گردید ، استقلال ملی و اتحاد مجدد تبدیل به اراده آهنین و آرمان مندر هم مینان و رزمجویان جنگ میهنی بر ضد تجار ایالات متحده شد . پیروزی عدلیم بهار ۱۹۷۵ در احراز استقلال کامل مام میهن ، منتج به حصول وحدت در کشور ما گردید .

مضافاً اینکه در عصر ما ، هنگامیکه استقلال ملی و سوسیالیسم تفکیک ناپذیر شده اند ، و در کشور ما بهینکه میکه طبقه کارگر رهبری انقلاب را در دست گرفته ، ظفر مندی انقلاب دموکراتیک ملی توده ای سر آغاز انقلاب سوسیالیستی و نقطه شروع دوران گذار به سوسیالیسم و طلبه دوران اجرای مأموریت تاریخی دیکتاتوری پرولناریا نیز میباشد . این نقطه عطف

تاریخی بیست و چهار سال پیش در شمال بوقوع پیوست و در ۲۰ آوریل سال قبل در سر تا سر مملکت
متجلی گشت. لهندانه تنها استقلال و وحدت درهم آمیختند، بلکه خالق شرایط لازم شدند
برای ایجاد سوسیالیسم.

با حصول پیروزی تمام و کمال ما در جنگ میهنی برخاستیم و از ایالات متحده و انقلاب
ویتنام به مرحله جدیدی قدم گذاشتیم و مرحله ای که سر تا سر مملکت مستقل و متحد را به
اجرای یک تکلیف استراتژیکی واحد داشت و این تکلیف عبارت بود از اجرای انقلاب
سوسیالیستی و پیشروی سریع و پرمایه و بلا نقطه بسوی سوسیالیسم.

سوسیالیسم نخستین هدف انقلاب ویتنام میباشد. سوسیالیسم عبارت است از تکامل
تدریجی لازم برای جامعه ویتنام در انطباق با قوانین تکامل جوامع بشری در دوران گذار از
سرما به داری به سوسیالیسم نرمند. سرچنانی، پرزیدنت هوشی مین و این گوهر نایب ملت ما و
واقف به مشغلات این زمان، میهن پرستی را با سوسیالیسم درهم آمیخت. وی میگوید:
"اگر قرار باشد میهن ما نجات پیدا کند و ملت ما از انقیاد درهائی باید هیچ راهی بجز
انقلاب پرولتری وجود ندارد" (هوشی مین: "نبراره بنای حزب" چاپ ویتنام انتشارات
سنوات، هانوی، ۱۹۷۰، صفحه ۸۲). "تنها سوسیالیسم و کمونیسم قادر به نجات خلقهای
ستم‌دیده و زحمتکشان عالم از یوغ بندگی است" (هوشی مین: "بساط استقلال، آزادی و سو-
سیالیسم" چاپ ویتنام، انتشارات سنوات، هانوی، ۱۹۷۰، صفحه ۱۲۹). حزب ما با
الهام از این افکار، در اولین برنامه خود چنین خاطر نشان نمود که انقلاب ویتنام عبارت
است از یک روندیلا انقطاع انقلابی، که با انقلاب دموکراتیک ملی آغاز شده بسوی انقلاب
سوسیالیستی در حرکت میباشد. در روند انقلاب، زمانی تنها یک تکلیف استراتژیکی وجود
داشت و زمانی دیگر دو تکلیف استراتژیکی برای سراسر مملکت معین میشود.
حزب ما از همان روز نخست دودر فنی استقلال و سوسیالیسم را با همزاد برآورد. این

است عظمی و توان ویراز پیروزی انقلاب کشور ما.

اکنون که ما میهن استقلال کامل خود را با زبانه خفته، خلق و سوسیالیسم با هم یکی
میده‌اند. تنها سوسیالیسم قادر است به این رژیهای دیرین کارگران، یعنی رهائی همیشگی
از ستم، استثمار، فقر و عقب ماندگی تحقق بخشد و برایشان یک زندگی آکنده از نعمت و
آنیهای تضمین شده، ستمدن و فرین سعادت با رمعان بیاورد. تنها سوسیالیسم قادر است
حقوق تمام و کمال کارگران را با آنها ارزانی دارد و ارزش واقعی انسان را به سوی